

ماده 11- ...

الف- در اجرای بند (1) سیاست‌های کلی برنامه پنجساله هفتم مبنی بر ایجاد ثبات در سطح عمومی قیمت‌ها و نرخ ارز، دستگاه‌های اجرائی، بانکها و مؤسسات اعتباری غیربانکی، صرافی‌ها و صادرکنندگان دولتی یا وابسته به شرکتهای دولتی و مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی و سایر صادرکنندگان حقیقی و حقوقی مکلفند کلیه اطلاعات مربوط به دارایی‌های ارزی و جریان درآمد ارزی تحت مالکیت خود را تحت ضوابط و مطابق با شیوه‌ای که بانک مرکزی مشخص می‌کند در اختیار این بانک قرار دهند. دستگاه‌های اجرائی، بانکها و مؤسسات اعتباری غیربانکی، صرافی‌ها و صادرکنندگان دولتی یا وابسته به شرکتهای دولتی و مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی باید ارزهای در اختیار خود را با هماهنگی بانک مرکزی در چهارچوب قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب 1392/10/3 با اصلاحات و الحاقات بعدی عرضه نمایند.

صادرکنندگان خرد از جمله صادرکنندگان خدمات فنی و مهندسی، محصولات صنعتی دانش‌بنیان و خلاق، محصولات باغی و کشاورزی و صنایع دستی می‌توانند ارز حاصل از صادرات خود را در مرکز مبادله ارز و طلای ایران عرضه نموده یا پس از اعلام به بانک مرکزی، برای واردات کالاهای مجاز که بانک مرکزی با تأمین ارز آنها موافقت کرده است، توسط خود یا دیگر واردکنندگان مورد استفاده قرار دهند. صادرکنندگان خرد موضوع این بند با پیشنهاد وزیر صنعت، معدن و تجارت و با همکاری وزرای جهاد کشاورزی و میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی و معاون علمی رئیس جمهور و با تصویب هیأت وزیران تعیین می‌شود.

ایراد شورای نگهبان

اطلاق واگذاری بدون ضابطه تعیین «صادرکنندگان خرد» به هیأت وزیران مغایر اصل هشتماد و پنجم (85) قانون اساسی شناخته شد.

تذکر:

عبارت «معاون علمی رئیس جمهور» به عبارت «معاون علمی، فناوری و اقتصاد دانش‌بنیان ریاست جمهوری» اصلاح شود. ایراد هیأت عالی نظارت

به جای بند (1)، باید بند (2) درج شود.

زیرا مبحث «ایجاد ثبات در سطح عمومی قیمت‌ها و نرخ ارز،...» موضوع بند (2) سیاست‌های کلی برنامه هفتم می‌باشد.

لذا از حیث عدم استحکام در ادبیات و اصطلاحات حقوقی، مغایر جزء (4) بند (9) سیاست‌های کلی نظام قانون گذاری است.

مصوبه کمیسیون

بند (الف) به شرح زیر اصلاح شد:

الف- در اجرای بند (2) سیاست‌های کلی برنامه پنجساله هفتم مبنی بر ایجاد ثبات در سطح عمومی قیمت‌ها و نرخ ارز، دستگاه‌های اجرائی، بانکها و مؤسسات اعتباری غیربانکی، صرافی‌ها و صادرکنندگان دولتی یا وابسته به شرکتهای دولتی و مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی و سایر صادرکنندگان حقیقی و حقوقی مکلفند کلیه اطلاعات مربوط به دارایی‌های ارزی و جریان درآمد ارزی تحت مالکیت خود را تحت ضوابط و مطابق با شیوه‌ای که بانک مرکزی مشخص می‌کند در اختیار این بانک قرار دهند. عرضه ارزهای در اختیار دستگاه‌های اجرائی، بانکها و مؤسسات اعتباری غیربانکی، صرافی‌ها و صادرکنندگان دولتی یا وابسته به شرکتهای دولتی و مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی باید با هماهنگی بانک مرکزی در چهارچوب این قانون و قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب 1392/10/3 با اصلاحات و الحاقات بعدی انجام شود. صادرکنندگان خرد از جمله صادرکنندگان خدمات فنی و مهندسی، محصولات صنعتی دانش‌بنیان و خلاق، محصولات باغی و کشاورزی و صنایع دستی می‌توانند ارز حاصل از صادرات خود را در مرکز مبادله ارز و طلای ایران عرضه نموده یا پس از اعلام به بانک مرکزی، برای واردات کالاهای مجاز که بانک مرکزی با تأمین ارز آنها موافقت کرده است، توسط خود یا دیگر واردکنندگان مورد استفاده قرار دهند. صادرکنندگان خرد موضوع این بند با توجه به نوع و حجم کالا یا خدمت صادر شده، به پیشنهاد وزیر صنعت، معدن و تجارت و با همکاری وزرای

جهاد کشاورزی و میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی و معاون علمی و فناوری و اقتصاد دانش بنیان رئیس جمهور، توسط هیأت وزیران تعیین می‌شود.

بند الحاقی- وزارتخانه‌های صنعت، معدن و تجارت، جهاد کشاورزی و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مکلفند با همکاری بانک مرکزی و وزارت امور خارجه نسبت به انطباق نقشه وارداتی کشور با مقاصد صادراتی اقدام نمایند به نحوی که تا انتهای سال دوم برنامه واردات کالاهای اساسی کشور از طریق نظام پرداخت رسمی (غیرمبتنی بر شبکه تراستی) شامل پیمان پولی دوجانبه، ارتباط بانکی و تهاتر در تعامل با طرفین تجاری ایران صورت پذیرد و تا پایان برنامه حداقل سی درصد (30%) از مجموع مبادلات بین‌المللی کشور از این طرق انجام شود.

ایراد شورای نگهبان

1- استفاده از واژه غیرفارسی «تراستی»، مغایر اصل پانزدهم (15) قانون اساسی شناخته شد.
2- نحوه اجرای تکلیف مذکور مبنی بر تحقق حداقل سی درصد (30%) از مجموع مبادلات بین‌المللی از طرق مذکور در این بند، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.
3- منظور از «انطباق نقشه وارداتی کشور با مقاصد صادراتی» ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.
ایراد هیأت عالی نظارت
با توجه به ملاحظات اقتصاد ایران، قابل اجرا نمی‌باشد و از این‌رو، مغایر جزء (1) بند (9) سیاست‌های کلی نظام قانون گذاری می‌باشد.

مصوبه کمیسیون

در سطر دوم عبارت "مبادی" جایگزین عبارت "نقشه" و در سطر دوم بعد از عبارت "مقاصد صادراتی" عبارت "ایجاد تراز تجاری متوازن با کشورهای هدف" و بعد از عبارت "غیرمبتنی بر شبکه" عبارت "شرکت‌های معتمد (تراستی)" اضافه گردید.

ب- تصمیمات و اقدامات قانونی بانک مرکزی که بر اساس مصوبات شورای پول و اعتبار به منظور مدیریت نوسان‌های ارزی برای مداخله در بازار طلا و ارز اعم از رسمی و غیررسمی انجام می‌پذیرد، لازم‌الاجراست.

ایراد شورای نگهبان

بند (ب)، از این حیث که تصمیمات مذکور مقید به رعایت قوانین و مقررات خواهد بود یا خیر، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.
مصوبه کمیسیون
عبارت «در چهارچوب قوانین و مقررات مربوط» بعد از عبارت «شورای پول و اعتبار» اضافه گردید.

تبصره 1- هرگونه تبلیغات خرید و فروش غیرقانونی ارز در فضای رسانه‌ای و مجازی و خرید و فروش ارز خارج از مقررات و ضوابط اعلامی بانک مرکزی ممنوع و مشمول مجازات‌های موضوع قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز است.

ایراد شورای نگهبان

1- با توجه به اینکه اقدامات خارج از مقررات و ضوابط اعلامی بانک مرکزی، جرم‌انگاری شده است، مغایر اصول سی و شش (36) و هشتاد و پنج (85) قانون اساسی شناخته شد.

2- به دلیل اینکه در «قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز» حکم صریحی در خصوص «تبلیغ خرید و فروش ارز» پیش‌بینی نشده است؛ بنابراین مقصود از عبارت «مشمول مجازات‌های موضوع قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز»، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.

مصوبه کمیسیون

تبصره 1- تبلیغات برای خرید و فروش غیرقانونی ارز در فضای رسانه‌ای و مجازی به مصادیق مندرج در بند (ح) قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب 1392/10/03 و اصلاحات بعدی آن اضافه می‌شود.

تبصره 2- کلیه معاملات در مرکز مبادله ارز و طلای ایران شامل ارز (اسکناس و حواله)، شمش، سکه طلا و فلزات گرانبها از پرداخت مالیات بر ارزش افزوده معافند.

ایراد شورای نگهبان

مبنی بر معافیت مالیاتی معاملات مذکور در مرکز مبادله ارز و طلای ایران، در مواردی که در قوانین دیگر معاف نبوده است، مغایر اصل هفتاد و پنجم (75) قانون اساسی شناخته شد.

مصوبه کمیسیون

مراعی

تبصره 3- مسوولیت ثباتبخشی به نرخ ارز و تکریمی کردن تورم و جهتدهی به نقدینگی و اعتبارات بانکی به سمت فعالیت‌های مولد بر عهده بانک مرکزی است.

ایراد شورای نگهبان

از این جهت که مسوولیت‌های مذکور در این بند که بر عهده بانک مرکزی قرار گرفته است در حدود اختیارات قانونی انجام می‌شود یا خیر، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.

مصوبه کمیسیون

در سطر دوم بعد از عبارت "فعالیت‌های مولد" عبارت "در چهارچوب وظایف و اختیارات قانونی" اضافه گردید.

فصل 3- اصلاح ساختار بودجه

ماده 13-...

پ- سازمان مکلف است با همکاری وزارت امور اقتصادی و دارایی و بانک مرکزی نسبت به ایجاد نظام یکپارچه و هوشمند مدیریت مالی دولت با رعایت ماده (30) قانون برنامه و بودجه کشور مصوب 1351/12/10 بر اساس ضوابط ذیل اقدام نماید:

1- کلیه اعتبارات از محل منابع عمومی و اختصاصی در قالب اعتبار الکترونیکی به دستگاه اجرائی تخصیص می‌یابد. تضمین نقدشوندگی اعتبار توسط خزانه‌داری کل کشور در سقف تخصیص‌های ابلاغی انجام و تمام پرداخت‌های دولت از محل حساب پشتیبان حساب‌های اعتباری توسط خزانه‌داری کل کشور در وجه ذی‌نفع نهائی واریز می‌شود.

ایراد شورای نگهبان

نحوه اجرای حکم مذکور در خصوص واریز در وجه ذی‌نفع نهائی، در رابطه با نهادهای نظامی و امنیتی ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.

مصوبه کمیسیون

دو تبصره به ذیل این بند اضافه گردید:

تبصره 1- نیروهای مسلح، نهادهای نظامی و امنیتی و مؤسسات دولتی که زیرمجموعه قوه مجریه نیستند، مشمول این حکم نمی‌باشند.

تبصره 2- وزارت اطلاعات و سازمان انرژی اتمی با توجه به خرید کالا و خدمات توسط آن‌ها برای اشخاص تحت پوشش از شمول این حکم مستثنی هستند.

...2

ت- دستگاه‌های اجرائی که از منابع بودجه کل کشور استفاده می‌کنند، مکلفند برنامه عملیاتی خود را هر ساله بر اساس تکالیف برنامه شامل اهداف سال مورد نظر، شاخص‌های عملکرد، مخاطرات رسیدن به اهداف، منابع لازم، نحوه تأمین مالی، طرح‌های توسعه‌ای مرتبط و گزارش عملکرد سال گذشته در چهارچوبی که توسط سازمان اعلام می‌شود، حداکثر تا پایان مرداد هر سال برای استفاده در تهیه لایحه بودجه سال بعد به سازمان ارائه نمایند.

سازمان مکلف است با رعایت بند «الف» ماده (118) این قانون و با استفاده از کلیه ابزارها و ظرفیت‌های قانونی خود نسبت به راهبری، ارزیابی و هماهنگی اجرای برنامه و نظارت بر حسن اجرای آن اقدام نماید. سازمان مکلف است لایحه بودجه سالانه را به صورت برنامه‌محور که حاوی برنامه‌های اجرائی و اهداف کمی باشد به منظور تحقق اهداف این قانون

و اهداف قانونی دستگاههای اصلی تهیه و توسط دولت به مجلس تقدیم کند. این برنامه‌ها مبنای صدور تخصیص پرداخت و نظارت دیوان محاسبات کشور می‌باشد.

ایراد شورای نگهبان

اطلاق حکم مذکور نسبت به نهادهای نظامی و امنیتی، مغایر بند(10) اصل سوم(3) قانون اساسی شناخته شد. مصوبه کمیسیون

1- در سطر اول بعد از عبارت "به دستگاه اجرایی که از منابع بودجه کل کشور استفاده می‌کنند"، عبارت "به جز نهادهای نظامی و امنیتی، شورای نگهبان، و مجلس شورای اسلامی"، اضافه گردید.

2- تبصره‌های ذیل به بند (ت) اضافه گردید:

تبصره 1- نیروهای مسلح، نهادهای نظامی و امنیتی و مؤسسات دولتی که زیرمجموعه قوه مجریه نیستند، مشمول این حکم نمی‌باشند.

تبصره 2- وزارت اطلاعات، سازمان انرژی اتمی، کمیته امداد امام خمینی(ره) و سازمان بهزیستی کشور با توجه به خرید کالا و خدمات توسط آنها برای اشخاص تحت پوشش از شمول این حکم مستثنی هستند.

ماده 14 - ...

ماده 15- به‌منظور مولدسازی ذخایر نفت و گاز کشور، سرعتبخشی به توسعه میادین نفت و گاز و اصلاح رابطه مالی دولت با شرکت ملی نفت ایران اقدامات زیر انجام می‌گیرد:

الف- وزارت نفت مکلف است در مورد میادین در حال بهره‌برداری یا دارای قرارداد توسعه فعلی، نسبت به عقد قرارداد مجزا با شرکت ملی نفت ایران و سایر شرکتهای اکتشاف، تولید و بهره‌برداری نفت و گاز در قالب قرارداد بلندمدت به تفکیک میدان / مخزن نفت و گاز از جمله در چهارچوب شرایط عمومی، ساختار و الگوی قراردادهای بالادستی نفتی و گازی با تصویب شورای اقتصاد اقدام نماید.

ایراد شورای نگهبان

1- اجرای این حکم با توجه به تنوع شرایط و احکام مترتبه بر قراردادهای، از جهت سازوکارها، مقدمات و ترتیبات اجرایی ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.

2- به جهت آنکه مشخص نیست عقد قرارداد مجزا با شرکتهای مذکور، آیا به‌منزله از بین رفتن قراردادهای فعلی و انعقاد قرارداد جدید با طرف‌های مقابل است یا خیر، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.

مصوبه کمیسیون

الف- وزارت نفت مکلف است در مورد میادین در حال بهره‌برداری یا دارای قرارداد توسعه فعلی، نسبت به عقد قراردادهای مجزا با شرکت ملی نفت ایران با رعایت قوانین در قالب قراردادهای بلندمدت به تفکیک میدان/مخزن نفت و گاز و از جمله در چهارچوب شرایط عمومی، ساختار و الگوی قراردادهای بالادستی نفتی و گازی با تصویب شورای اقتصاد اقدام نماید.

ب- وزارت نفت مکلف است در مورد سایر میادین نفت و گاز با اولویت میادین مشترک و میادین گازی، با استفاده از ظرفیت‌های قانونی شرکت ملی نفت و سازوکارهای رقابتی از جمله صدور پروانه مندرج در قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت مصوب 1391/2/19، بدون واگذاری مالکیت و حاکمیت، نسبت به واگذاری فعالیت‌های توسعه، اکتشاف و بهره‌برداری از میادین به شرکت ملی نفت ایران و سایر شرکتهای متقاضی صاحب صلاحیت اکتشاف و تولید (به‌تخصیص وزارت نفت)، اقدام کند به‌نحوی که در پایان سال سوم اجرای این قانون حداقل دو درصد (2%) و در پایان برنامه حداقل پنج درصد (5%) از افزایش توان تولید نفت کشور به شرکتهای متقاضی غیردولتی ذیصلاح عرضه شده باشد. این نصاب برای افزایش تولید گاز کشور، دو برابر نفت تعیین می‌شود.

تبصره 1 - ..

تبصره 2- به منظور افزایش جذابیت سرمایه‌گذاری در میدان‌گازی جهت کاهش ناترازی گاز طبیعی در کشور، وزارت نفت از طریق شرکتهای تابعه خود مجاز است با هماهنگی دبیرخانه هیأت عالی نظارت بر منابع نفتی (سازمان) با مشارکت بخش خصوصی، نسبت به سرمایه‌گذاری برای توسعه میدان‌گازی جدید اقدام نموده و تولیدات حاصل را صادر کند. با رعایت اصل پنجاه و سوم (53) قانون اساسی حداقل شصت درصد (60%) از درآمد حاصل از صادرات گاز طبیعی از این میدان، پس از کسر سهم صندوق توسعه ملی و سهم مناطق نفت‌خیز، گازخیز و توسعه‌نیافته، تا زمان بازگشت سرمایه‌گذاری انجام‌شده متعلق به شرکت تابعه ذی‌ربط وزارت نفت است و باقیمانده درآمد به حساب درآمد عمومی دولت نزد خزانه‌داری کل کشور واریز می‌گردد.

تبصره 3- صنایع انرژی‌بر و پتروشیمی‌ها از طریق مشارکت با شرکتهای اکتشاف و تولید دارای صلاحیت با رعایت شرایط مذکور در بند «ب» این ماده در اولویت واگذاری طرحهای جمع‌آوری گازهای مشعل (فلر) و میدان‌گازی قرار دارند. وزارت نفت مکلف است صنایع مذکور را در اولویت تخصیص گاز طبیعی تولیدی از این میدان قرار دهد.

ایراد شورای نگهبان

نسبت میان حکم مذکور در تبصره‌های (2) و (3)، از جهت نحوه تخصیص گاز در میدان‌گازی جدید، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.

مصوبه کمیسیون

در بند (ب)، در سطر ششم عبارت "افزایش" بعد از عبارت "حداقل پنج درصد (5%) از" حذف گردید.

در تبصره (2) بعد از عبارت "اقدام نموده" عبارت "و در چهارچوب سیاست‌های تخصیص گاز توسط وزارت نفت" اضافه گردید.

در تبصره (3) عبارت "با رعایت شرایط مذکور در بند «ب» این ماده" حذف و در انتهای این تبصره عبارت "تولیدات گازی حاصل از توسعه میدان یا طرح‌های جمع‌آوری گازهای مشعل، متعلق به صنایع مذکور خواهد بود و این صنایع موظف به تسویه حساب با دولت وفق مفاد سازوکارهای مذکور در بند «ب» این ماده می‌باشند." اضافه گردید.

تبصره 1- ...

ماده 16- به منظور مدیریت دارایی‌ها و ارتقای شفافیت دارایی دستگاههای اجرایی اقدامات زیر انجام می‌شود:

الف- دستگاههای اجرایی ملزم به ثبت اطلاعات اراضی، املاک و سایر اموال غیرمنقول از جمله انفال و اموال تملیکی که به‌عنوان مالک، بهره‌بردار، متولی و نماینده دولت در اختیار دارند اعم از اینکه مورد بهره‌برداری بوده یا متولی و واگذاری باشند (دارای سند مالکیت یا فاقد سند مالکیت، اجاره‌ای، وقفی و حقوق و امتیازات مرتبط با اموال غیرمنقول از جمله حق انتفاع، حق ارتفاق و حق سرقفی) در سامانه جامع اموال دستگاههای اجرایی (سادا) هستند. هرگونه پرداخت بابت تجهیز، نگهداری و سایر هزینه‌ها برای موارد ثبت‌نشده در سامانه سادا ممنوع است. عدم اجرای این بند توسط مدیران مربوط دستگاههای اجرایی تخلف محسوب می‌شود.

ایراد شورای نگهبان

در بند (الف)، نسبت این بند با ماده (21) قانون جهش تولید مسکن از جهت استثنائات و مجازات‌های تعیین شده، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.

مصوبه کمیسیون

در ابتدای سطر اول عبارت "با رعایت ماده (21) قانون جهش تولید مسکن و قانون حاکم بر هر دستگاه،" اضافه گردید.

ب- وزارت امور اقتصادی و دارایی موظف به شناسایی، مستندسازی و تثبیت مالکیت دولت بر اموال غیرمنقول موضوع این ماده از طریق تشخیص یا تعیین بهره‌بردار و یا صدور گواهی بهره‌برداری برای دستگاههای اجرایی به‌استثنای انفال و مصادیق مندرج در ماده (10) قانون جهش تولید مسکن مصوب 17/5/1400 و اصل هشتماد و سوم (83) قانون اساسی است. سازمان ثبت اسناد و املاک کشور مکلف است بنا بر اعلام و تشخیص وزارت امور

اقتصادی و دارایی، اسناد مالکیت دولتی اموال غیر منقول را به نام دولت جمهوری اسلامی ایران به عنوان مالک صادر نماید. وزارت امور اقتصادی و دارایی به عنوان امین اموال دولت شناخته می شود.

ایراد شورای نگهبان

- 1- به جهت آنکه مشخص نیست تکلیف مذکور صرفاً در خصوص موارد در ملکیت دولت است، یا سایر اموال در اختیار دولت نظیر املاک وقفی و ... را نیز در بر می گیرد، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.
- 2- نحوه اجرای حکم مذکور نسبت به مواردی مانند وصیت که شرط خاصی برای بهره برداری وجود دارد، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.

مصوبه کمیسیون

به انتهای این بند عبارت زیر گردید:

«تکالیف مذکور در این بند صرفاً در خصوص موارد در ملکیت دولت است و شامل سایر اموال در اختیار دولت نظیر املاک وقفی نمی شود و همچنین مواردی مانند وصیت که شرط خاصی در بهره برداری از آن وجود دارد، از شمول حکم این بند مستثنی است.»

پ- وزارت امور اقتصادی و دارایی موظف است با همکاری سازمان و سازمان اداری و استخدامی کشور ظرف سه ماه از لازم الاجراء شدن این قانون، استاندارد میزان اموال غیر منقول مورد نیاز در اختیار هر دستگاه اجرائی را متناسب با مأموریت آن دستگاه تعیین و ابلاغ نماید. دستگاههای اجرائی مکلفند ظرف یکسال از لازم الاجراء شدن این قانون، نسبت به فروش اموال غیر منقول مازاد بر استاندارد مطابق آیین نامه هیأت عالی مولدسازی دارایی های دولت یا انتقال آن به وزارت امور اقتصادی و دارایی اقدام نمایند. در صورت عدم فروش اموال غیر منقول مازاد دستگاه اجرائی در مهلت مقرر و یا عدم انتقال آن به وزارت امور اقتصادی و دارایی، عنوان دستگاه بهره بردار دارایی های موضوع این بند به استثنای اراضی انفال به نام وزارت امور اقتصادی و دارایی با حفظ مالکیت دولت تغییر می یابد.

ایراد شورای نگهبان

- 1- اطلاق تفویض تعیین استاندارد میزان اموال غیر منقول مورد نیاز دستگاههای اجرائی به وزارت امور اقتصادی و دارایی، مغایر بند (10) اصل سوم (3) و اصل هشتاد و پنجم (85) قانون اساسی شناخته شد.
- 2- استفاده از واژه غیر فارسی «استاندارد»، مغایر اصل پانزدهم (15) قانون اساسی شناخته شد.
- 3- از این حیث که شامل دستگاههای اجرائی خارج از قوه مجریه نیز می شود یا خیر، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.
- 4- در بندهای (پ) و (ت)، از این حیث که پس از پایان مهلت اعتبار «مصوبه مولدسازی دارایی های دولت»، نحوه اجرای احکام مذکور در آنها چگونه خواهد بود، ابهام دارند؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.

ایراد هیأت عالی نظارت

بند پ ماده 16 به دلیل نامشخص بودن مرجع تصویب آیین نامه هیأت عالی مولدسازی دارایی های دولت و بند ت ماده 16 نیز از حیث اینکه مشخص نیست اقدامات مورد اشاره در آن در چارچوب قوانین موجود است یا اینکه به صرف آیین نامه یا دستورالعمل مذکور در آن بند انجام می شود دارای ابهام و در نتیجه مغایر جزء 3 بند 9 سیاست های کلی نظام قانون گذاری می باشد.

مصوبه کمیسیون

در سطر دوم عبارت "معیار (استاندارد)" جایگزین عبارت "استاندارد" و بعد از عبارت "دستگاههای اجرائی" عبارت "شامل وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی زیر مجموعه ریاست جمهوری" اضافه و عبارت "موضوع بند(ت) این ماده" جایگزین عبارت "هیأت عالی مولدسازی دارایی‌های دولت" گردید.

ت-

1- وزارت امور اقتصادی و دارایی موظف است ضمن رصد، شناسایی، مستندسازی، آماده‌سازی و پایش اموال غیرمنقول، نسبت به فروش یا مولدسازی اموال غیرمنقول مازاد دولتی انتقال‌یافته و مکشوفه با ارزش افزایی لازم (از قبیل تغییر کاربری، فروش، اجاره، معاوضه و تهاتر با دستگاههای غیردولتی یا بخش خصوصی، تبدیل به احسن کردن، ترهین، توثیق، انتشار اوراق مالی اسلامی به پشتوانه دارایی‌ها، ایجاد صندوق‌های املاک و مستغلات، نوسازی و بهینه‌سازی با مشارکت بخش غیردولتی) به‌استثنای انفال و مصادیق مندرج در ماده (10) قانون جهش تولید مسکن و اصل هشتماد و سوم (83) قانون اساسی بر اساس دستور العمل هیأت عالی مولدسازی دارایی‌های دولت اقدام نماید.

2- هیأت عالی مولدسازی دارایی‌های دولت با ترکیب معاون اول رئیس جمهور (رئیس)، وزیر امور اقتصادی و دارایی (دبیر)، رئیس سازمان، وزیر کشور، وزیر راه و شهرسازی، معاون حقوقی رئیس جمهور، نماینده رئیس مجلس و نماینده رئیس قوه قضائیه به‌منظور تعیین ضوابط و چهارچوب حاکم بر مدیریت دارایی‌های مازاد دستگاههای اجرائی، رفع موانع حقوقی و اطلاع‌رسانی‌های اجرائی و ایجاد هماهنگی لازم میان دستگاههای اجرائی و نظارتی در زمینه واگذاری و مولدسازی دارایی‌ها تشکیل می‌شود. آیین‌نامه اجرائی این جزء به‌تصویب هیأت عالی مولدسازی دارایی‌های دولت می‌رسد.

ایراد شورای نگهبان

تفویض تصویب آیین‌نامه اجرائی جزء (2)، به هیأت مولدسازی با توجه به ترکیب آن، مغایر با اصل یکصد و سی و هشتم (138) قانون اساسی شناخته شد.

ایراد هیأت عالی نظارت

بند(ت) ماده (16) نیز از حیث اینکه مشخص نیست اقدامات مورد اشاره در آن درچارچوب قوانین موجود است یا اینکه به صرف آیین‌نامه یا دستور العمل مذکور در آن بند انجام می‌شود. دارای ابهام و در نتیجه مغایر جزء (3) بند (9) سیاست‌های کلی نظام قانون گذاری می‌باشد.

مصوبه کمیسیون

در سطر پنجم جزء (1) بعد از عبارت "اصل هشتماد و سوم (83) قانون اساسی"، عبارت "در چهارچوب قوانین و مقررات" اضافه گردید.

به انتهای جزء (2) عبارت " آیین‌نامه اجرائی این جزء در چهارچوب قوانین به تصویب هیئت وزیران می‌رسد که پس از منقضی شدن مصوبه جلسه (۶۷) شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا با عنوان مولدسازی دارایی‌های دولت، لازم‌الاجراء خواهد بود." جایگزین عبارت " آیین‌نامه اجرائی این بند به‌تصویب هیأت عالی مولدسازی دارایی‌های دولت می‌رسد." گردید.

تبصره - ...

ماده 17- ...

ب- ایجاد درآمد اختصاصی جدید (به‌استثنای دانشگاهها، مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی و فناوری) و اختصاصی نمودن درآمدهای عمومی موجود به هر نحو، در طول اجرای برنامه جز در مواردی که در این قانون تصریح شده است، ممنوع می‌باشد. ایجاد درآمدهای جدید به شکل درآمد- هزینه امکان‌پذیر است.

ایراد شورای نگهبان

منظور از عبارت «درآمد- هزینه» به دلیل فقدان تعریف قانونی ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.
مصوبه کمیسیون

از انتهای این بند عبارت "ایجاد درآمدهای جدید به شکل درآمد- هزینه امکان پذیر است." حذف گردید.

پ- ...

ماده 19- به منظور ساماندهی طرحهای عمرانی، کاهش زمان اجرای آنها و ارتقای بهروری منابع اختصاص یافته به این بخش اقدامات زیر انجام می شود:

الف-

1- در اجرای بند (۳) سیاست های کلی برنامه پنجساله هفتم دولت مکلف است نسبت به تعیین تکلیف طرحهای تملک دارایی های سرمایه ای مطابق آیین نامه ای که توسط سازمان تهیه می شود و به تصویب هیئت وزیران می رسد، اقدام نماید.

ایراد شورای نگهبان

نسبت حکم مذکور در این جزء با ماده (20) مصوبه حاضر و سایر قوانین مربوطه، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.

مصوبه کمیسیون

بعد از عبارت "دارایی های سرمایه ای" عبارت "از طرق مختلف از جمله مشارکت عمومی خصوصی در چهارچوب ماده (20) این قانون و با رعایت سایر قوانین و مقررات" اضافه گردید.

2- ...

ماده 20- ...

ث- دستگاه اجرائی ذی ربط می تواند برای تجاری سازی و اعطای مشوق برای توجیه مالی طرحهای مشارکتی، نسبت به استفاده از سازوکارهای تشویقی از قبیل اعطای پارانه سود تسهیلات و خرید تضمینی محصولات که به موجب آیین نامه ای که توسط سازمان تهیه می شود و به تصویب هیأت وزیران می رسد، اقدام نماید.

ایراد شورای نگهبان

از این جهت که نسبت اختیار مذکور در این بند با ممنوعیت مذکور در بند (پ) ماده (18) مصوبه روشن نیست، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.

مصوبه کمیسیون

در سطر آخر قبل از عبارت " اقدام نماید" عبارت «و با رعایت بند(پ) ماده(18) این قانون» اضافه گردید.

ج- ...

بند الحاقی- در صورتی که خیرین با پیشنهاد دستگاه اجرائی ذی ربط و موافقت سازمان، طرحهای تملک دارایی های سرمایه ای را اجرا یا تکمیل نمایند و بیش از پنجاه درصد (۵۰%) به جای اعتبارات دولتی در این طرحها هزینه نمایند، از اعتبار مالیاتی حداقل بیست و پنج درصد (25%) و حداکثر پنجاه درصد (۵۰%) هزینه ای که انجام داده اند، برخوردار می شوند.

در مورد طرح (پروژه) هایی که حداقل پنجاه درصد (۵۰%) آن به صورت خیر ساز انجام شده و مابقی آن در تعهد دولت است، چنانچه خیر طرح را با پیشنهاد دستگاه و موافقت سازمان به اتمام برساند، هزینه انجام شده، به طور صددرصد (100%) به عنوان دیون و اعتبار مالیاتی محسوب می گردد.

آیین نامه اجرائی این بند شامل طرح (پروژه) های مشمول، زمان بندی اجرائی و میزان برخورداری از اعتبار مالیاتی با پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارایی و سازمان به تصویب هیأت وزیران می رسد.

تذکر شورای نگهبان

عبارت «پیشنهاد دستگاه و موافقت سازمان» به عبارت «موافقت دستگاه و سازمان» اصلاح شود.

مصوبه کمیسیون

عبارت «موافقت دستگاه و سازمان» جایگزین عبارت «پیشنهاد دستگاه و موافقت سازمان» گردید.

ماده 21...

ماده 22- با هدف رعایت استانداردهای زیست محیطی اقدامات زیر انجام می شود:

الف- کلیه طرح (پروژه) های بزرگ جدید و طرحهای توسعه ای بزرگ که توسط دستگاههای اجرائی، بخشهای خصوصی، تعاونی و مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی در پهنه سرزمین از جمله مناطق آزاد تجاری، صنعتی و ویژه اقتصادی اجرائی می شود، باید قبل از اجرا بر اساس شاخصها، ضوابط و معیارهای زیست محیطی که به تصویب شورای عالی حفاظت محیط زیست می رسد، توسط سازمان حفاظت محیط زیست مورد ارزیابی اثرات زیست محیطی قرارگیرد. سازمان حفاظت محیط زیست مکلف است نظر خود را دایر بر تأیید یا عدم تأیید طرح (پروژه) ها با ذکر علل عدم تأیید، ظرف سه ماه به صورت کتبی اعلام کند. عدم اعلام نظر ظرف مهلت مقرر به منزله تأیید است. آیین نامه اجرائی این بند مشتمل بر شاخصها، ضوابط، معیارهای زیست محیطی و مصادیق طرح (پروژه) های مشمول ارزیابی، ظرف سه ماه از لازم الاجرا شدن این قانون توسط سازمان حفاظت محیط زیست تهیه می شود و به تصویب هیأت وزیران می رسد.

ایراد شورای نگهبان

1- نسبت به حالتی که توسط سازمان حفاظت محیط زیست در مهلت مقرر اظهار نظر صورت نگیرد و از این جهت منجر به خسارات زیست محیطی شود، از این نظر که مسئولیت خسارت های وارد شده بر عهده چه شخصی است، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.

2- بر اساس صدر این بند شاخصها، ضوابط و معیارهای زیست محیطی به تصویب شورای عالی حفاظت محیط زیست می رسد، این در حالی است که در ذیل این بند شاخصها، ضوابط و معیارهای زیست محیطی به تصویب هیأت وزیران می رسد، بنابراین صدر و ذیل حکم مذکور در این بند از حیث مرجع تصویب ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.

مصوبه کمیسیون

در سطر سوم عبارت "شاخصها، ضوابط و معیارهای زیست محیطی و" حذف گردید.

ب- ...

ماده 24- ...

بند الحاقی- وزارت امور اقتصادی و دارایی مکلف است بدهی معوق به پیمانکاران طرحهای تملک داراییهای سرمایه ای ملی و استانی را تا پایان سال اول برنامه به اوراق بهادار تبدیل نموده و برای آنها جریان نقدی با سررسید مشخص تعیین کند. این اوراق با سررسید حداکثر پنجساله بر اساس برنامه ای که وزارت امور اقتصادی و دارایی تهیه می کند به تدریج تا پایان برنامه، قابل معامله در بازار سرمایه خواهد شد. وزارت امور اقتصادی و دارایی مکلف است هر شش ماه یکبار گزارش عملکرد این بند را به کمیسیون های برنامه و بودجه و محاسبات و اقتصادی مجلس ارسال نماید.

ایراد شورای نگهبان

از این حیث که تبدیل بدهی معوق پیمانکاران به اوراق بهادار با رضایت آنان انجام می شود یا خیر، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.

مصوبه کمیسیون

عبارت «منوط به رضایت آنان» بعد از عبارت «پایان سال اول برنامه» اضافه گردید.

ماده 25 -

الف-

ت- دولت مکلف است تا پایان سال اول برنامه با رعایت تبصره (72) دائمی قانون بودجه سال 1352 اصلاحی 30/ 11/ 1379 نسبت به بازنگری در ترکیب اعضای نمایندگی سهام خود در مجامع عمومی شرکتهای دولتی و شرکتهایی که دولت در آنها سهام مدیریتی یا کنترلی دارد با رویکرد رفع تعارض منافع اقدام قانونی لازم را انجام دهد. در بانک مرکزی و شرکتهای مادر تخصصی و اصلی از جمله شرکتهایی که شمول قانون بر آنها مستلزم تصریح یا ذکر نام

است مانند شرکت ملی نفت ایران، وزیر مربوط، رئیس سازمان و وزیر امور اقتصادی و دارایی به‌عنوان اعضای مجامع عمومی تعیین می‌شوند.

ایراد هیات عالی نظارت

طبق قوانین جاری، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران دارای مجمع عمومی متشکل از؛ رئیس جمهور، وزیر امور اقتصادی و دارایی، رئیس سازمان برنامه و بودجه و دو نفر از وزرا به انتخاب هیأت وزیران است و تغییر این ترکیب در قانون پنج ساله، خلاف قانون دائمی است. لذا مغایر جزء (8) بند (9) سیاست های کلی نظام قانون گذاری است.

همچنین، توضیح مذکور درباره شرکت ملی نفت و سایر شرکت های مشابه نیز صادق می باشد.

مصوبه کمیسیون

در بند (ت) ماده (25) متن به شرح «در بانک مرکزی و شرکتهای مادر تخصصی و اصلی از جمله شرکتهایی مانند شرکت ملی نفت ایران و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران که مستلزم تصریح یا ذکر نام است، وزیر مربوطه، رئیس سازمان و وزیر امور اقتصادی و دارایی به‌عنوان اعضای مجامع عمومی تعیین می‌شوند.» از انتهای بند حذف می‌گردد.

ث- چهار چوب پاداش قابل پرداخت به مدیر عامل، اعضای هیأت مدیره، اعضای هیأت عامل، مدیران شرکتهای دولتی موضوع ماده (5) قانون مدیریت خدمات کشوری و شرکتهایی که دولت به‌نحوی در آنها سهام مدیریتی یا کنترلی دارد، بانکها و بیمه‌ها با در نظر گرفتن اندازه و پیچیدگی فعالیت آنها و نیز معیارهایی نظیر میزان تحصیلات، رشته تحصیلی، سوابق تجربی و مدیریتی و کارآمدی و بهره‌وری با رعایت قوانین توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی با همکاری سازمان تهیه می‌شود و به‌تصویب هیأت وزیران می‌رسد. حداکثر سقف پاداش یک‌ماه حقوق و مزایای قانونی می باشد.

تذکر شورای نگهبان

بعد از واژه «پاداش»، واژه «سالانه» اضافه شود.

مصوبه کمیسیون

در سطر اول بعد از عبارت "پاداش" عبارت "سالانه" اضافه گردید.

ماده 26-...

ماده 27- به‌منظور افزایش سهم مالیات در بودجه عمومی کشور اقدامات زیر انجام می‌شود:
الف-

1- وضع هرگونه تخفیف، ترجیح، بخشودگی، کاهش نرخ، معافیت و شمولیت نرخ صفر و اعطای اعتبار مالیاتی جدید بجز مواردی که با تشخیص سازمان، وزارت امور اقتصادی و دارایی و تصویب هیأت وزیران منجر به افزایش یا رونق تولید و صادرات شود در سالهای برنامه ممنوع است. اعتبار مالیاتی موضوع ماده (11) قانون جهش تولید دانش‌بنیان مشمول این جزء نمی‌شود.

هرگونه نسخ، اصلاح و لغو احکام قانونی در حوزه مالیاتی با رعایت این جزء صرفاً از طریق قوانین و مقررات مربوط و با ذکر نام قانون ذی‌ربط امکان‌پذیر است.

2- در اجرای بند (4) سیاست‌های کلی برنامه پنج‌ساله هفتم مبنی بر رونق تولید و عدالت مالیاتی، وزارت امور اقتصادی و دارایی مکلف است با همکاری وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی تا پایان سال اول برنامه تمهیدات قانونی انتزاع فرایندهای دادرسی مالیاتی از سازمان مالیاتی و دادرسی بیمه از وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و ایجاد مراکز دادرسی مستقل مالیاتی و بیمه را فراهم نماید.

ایراد شورای نگهبان

اطلاق وضع هرگونه تخفیف، ترجیح، بخشودگی، کاهش نرخ، معافیت و شمولیت نرخ صفر به «تشخیص سازمان، وزارت امور اقتصادی و دارایی و تصویب هیأت وزیران»، مغایر اصول پنجاه و یکم (51) و هفتاد و یکم (71) قانون اساسی شناخته شد.

تذکر شورای نگهبان

عبارت «سازمان مالیاتی» به عبارت «سازمان امور مالیاتی کشور» اصلاح شود.

مصوبه کمیسیون

عبارت «سازمان امور مالیاتی کشور» جایگزین عبارت «سازمان مالیاتی» گردید.

ب-...

ح- معافیت بند «ب» ماده (159) قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران صرفاً برای فعالیت‌های تولیدی و معدنی واحدهای تولیدی و معدنی که پروانه بهره‌برداری یا قرارداد استخراج آنها طی دوره اجرای قانون مذکور صادر شده‌باشد، جاری است.

ایراد شورای نگهبان

با توجه به اینکه عبارت «واحدهای صنعتی و معدنی» در بند (ب) ماده (159) قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه در این بند به عبارت «واحدهای تولیدی و معدنی» تغییر یافته است، نسبت این بند با بند (ب) ماده (159) قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.

مصوبه کمیسیون

عبارت «واحدهای تولیدی و معدنی» به عبارت «واحدهای صنعتی و معدنی» اصلاح شد.

خ-...

ماده 29-...

پ- وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی مکلف است با همکاری سازمان، «ضوابط سرمایه‌گذاری سازمان‌ها و صندوق‌های بازنشستگی» را به‌منظور ارتقای ذخایر صندوق‌ها، حفظ حقوق و تعهدات بین‌نسلی بیمه‌شدگان، تقویت حاکمیت شرکتی، شفافیت در امور سرمایه‌گذاری‌ها، سودآوری و کارآمدسازی سبد سرمایه‌گذاری‌ها، کاهش بنگاهداری، تغییر رویکرد به سمت سرمایه‌گذاری‌های بورسی، مسئولیت‌پذیری هیأت مدیره و اصول تحلیل خطرپذیری (ریسک)، علاوه بر ضوابط مندرج در بند «ه» ماده (15) قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی ظرف شش‌ماه از لازم‌الاجرا شدن این قانون تهیه نموده و به‌تصویب هیأت وزیران برساند، به‌نحوی که هر سال حداقل بیست درصد (20%) از شرکتها و بنگاههای تحت مالکیت و مدیریت خود را واگذار نماید. در هر حال سهام صندوق‌ها صرفاً باید در بهابازار (بورس) و در قالب غیرمدیریتی و سودآور باشد.

سازمان تأمین اجتماعی و صندوق بازنشستگی کشوری مکلفند نسبت به واگذاری مدیریت آن دسته از بنگاههای تابع و وابسته که فاقد متقاضی جهت واگذاری مالکیت هستند از طریق انعقاد قرارداد پیمان مدیریت اقدام نمایند. این بند مشمول احکام بند «الف» ماده (5) این قانون می‌باشد.

آیین‌نامه اجرایی این بند ظرف سه ماه از لازم‌الاجرا شدن این قانون به پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارایی و با همکاری سازمان و وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی به‌تصویب هیأت وزیران می‌رسد.

تبصره 1- صندوق‌های بازنشستگی اعم از کشوری و لشکری و تأمین اجتماعی مکلفند کلیه سهام متعلق به خود و شرکت‌های تابع و وابسته را که سهم صندوق‌های بازنشستگی و شرکت‌های تابعه و وابسته در آنها بیش از بیست درصد (20%) و ارزش آن از سیصد برابر سقف نصاب معاملات متوسط (موضوع قانون برگزاری مناقصات) کمتر است حداکثر ظرف دو سال اول برنامه واگذار نمایند.

تبصره 2- وزارت امور اقتصادی و دارایی با همکاری سازمان، سازمان اداری و استخدامی کشور، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح مکلف است ظرف سه ماه از لازم‌الاجرا شدن این قانون، دستورالعمل نحوه احراز صلاحیت مدیران عامل و اعضای هیأت مدیره شرکت‌های تابع و وابسته صندوق‌های بازنشستگی اعم از کشوری و لشکری و تأمین اجتماعی و همچنین افرادی که به نمایندگی صاحب سهم در شرکت‌های مذکور به‌عنوان عضو هیأت مدیره/هیأت عامل معرفی می‌شوند را تهیه کند و به‌تصویب هیأت وزیران برساند.

هر گونه انتصاب در سمت (پست)‌های موضوع این تبصره از تاریخ ابلاغ دستورالعمل مذکور، بر اساس ساز و کار آن خواهد بود. صندوق‌های مشمول این حکم موظفند متصدیان فعلی سمت‌های موضوع این حکم را با شرایط عمومی و اختصاصی پیش‌بینی شده در دستورالعمل مذکور ظرف شش‌ماه از تاریخ ابلاغ دستورالعمل تطبیق داده و نسبت به جایگزینی افرادی که شرایط مورد نظر را ندارند اقدام نمایند.

مسئولیت اجرای این حکم با اعضای مجمع عمومی شرکت‌های مشمول خواهد بود و متخلفین از اجرای آن به انفصال از خدمات دولتی و عمومی به مدت دو سال محکوم می‌شوند. سایر سهامداران حاضر در مجمع عمومی به غیر از نمایندگان

صندوق‌های بازنشستگی موضوع این تبصره و نمایندگان کلیه مؤسسات و شرکتهای تابع و وابسته آنها از شمول این حکم مستثنی خواهند بود.
وزارت امور اقتصادی و دارایی مکلف است گزارش عملکرد این بند را هر شش ماه یکبار به کمیسیون‌های اقتصادی و اجتماعی مجلس ارسال نماید.

ایراد شورای نگهبان

21-1- ذیل بند (پ)، از حیث شرایط و ضوابط قرارداد پیمان مدیریت ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.

نسبت حکم مذکور در جزء 1 بند الحاقی 2، با حکم مذکور در جزء 1 بند (پ) ماده 5 این مصوبه، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.

ایراد هیأت عالی نظارت

اول؛ حکم مندرج در بند «پ» ماده (29) با حکم مندرج در جزء (2) بند «الف» ماده (5) دارای وحدت موضوعی بوده و علاوه بر مغایرت با سیاستهای کلی تأمین اجتماعی، این احکام تکراری بوده و با یکدیگر همپوشانی دارند و از این حیث مغایر با بند (9) سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری می‌باشند.

دوم؛ تعیین ضرب الاجل و جریمه برای فروش سریع سهام متعلق به صندوقهای بازنشستگی، باعث ایراد ضرر و زیان به اندوخته‌های بیمه‌ای بیمه‌شدگان و مستمری‌بگیران می‌گردد و از این حیث مغایر با بند (3) سیاست‌های کلی تأمین اجتماعی است.

سوم؛ با توجه به اینکه به موجب بند (3) سیاست‌های کلی تأمین اجتماعی این " اموال متعلق حق مردم " است و بایستی بصورت چندجانبه و با مشارکت ذینفعان واقعی (شرکای اجتماعی) و طبق اصول حاکمیت شرکتی و در قالب قانون تجارت و از طریق ارکان عالی قانونی مربوطه برای آنها اتخاذ تصمیم صورت پذیرد و به موجب بند (4) سیاست‌های کلی تأمین اجتماعی می‌بایستی نسبت به اصلاح قوانین و مقررات مغایر با قواعد بیمه‌ای اقدام می‌گردید لذا مفاد مندرج، مغایر با بندهای (3) و (4) سیاست‌های کلی تأمین اجتماعی است.

مصوبه کمیسیون

در بند (پ) ماده (29) در فراز اول عبارت «به نحوی که هر سال حداقل بیست درصد (20%) از شرکت‌ها و بنگاه‌های تحت مالکیت و مدیریت خود را واگذار نماید. در هر حال سهام صندوق‌ها صرفاً باید در بهابازار (بورس) و در قالب غیرمدیریتی و سود آور باشد.» و فرازهای دوم و سوم این بند نیز حذف و متن به شرح «دولت مکلف است حداکثر ظرف سه‌ماه پس از لازم‌الاجرا شدن این قانون برنامه زمان‌بندی و آگذاری را تهیه و به تصویب هیئت وزیران برساند و گزارش آن را تقدیم مجلس شورای اسلامی نمایند و هر شش‌ماه یکبار گزارش و آگذاری‌ها را به مجلس ارائه دهد. وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی موظف است ترتیبات قانونی در طی برنامه پنج‌ساله را به نحوی ساماندهی نماید تا به میزانی که دولت در هر سال تعیین می‌کند، از طرق ارکان قانون و آگذاری‌ها به نحو کامل، صحیح و قانونمند انجام شود.» به عنوان «تبصره» این بند اضافه می‌گردد.

بند الحاقی 2-

1- دولت مکلف است در طول اجرای قانون برنامه در قالب بودجه سنواتی نسبت به تأدیه بدهی حسابرسی‌شده خود به سازمان تأمین اجتماعی از محل سهام قابل و آگذاری دولت در قالب قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (44) قانون اساسی و اصلاحات بعدی آن، و آگذاری املاک مازاد بر نیاز دستگاههای اجرایی، تأدیه نقدی در بودجه سنواتی، اوراق بهادار قانونی و امتیازات مورد توافق، اقدام کند. این بند شامل دستگاههای زیر نظر مقام معظم رهبری و قوای مقننه و قضائیه و مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی نمی‌شود.

تبصره- در اجرای حکم این بند باید سالانه حداقل ده درصد (10%) بدهی دولت به سازمان تأمین اجتماعی تسویه گردد و هرگونه تعهد جدید برای سازمان تأمین اجتماعی باید در قانون بودجه همان سال پیش‌بینی و تأمین شود.

ایراد شورای نگهبان

نسبت حکم مذکور در جزء (1) بند الحاقی (2)، با حکم مذکور در جزء (1) بند (پ) ماده (5) این مصوبه، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.

ایراد هیأت عالی نظارت

اول؛ با بند «ب» ماده (29) هم پوشانی و تعارض دارد.

دوم؛ با جزء (1) بند «پ» ماده (5) تعارض دارد.
سوم؛ با بند "پ" همین ماده (29) نیز تعارض دارد. در بند «پ» سازمان تامین اجتماعی را موظف به واگذاری سهام شرکتها به صورت 20 درصد سالانه کرده ایم و در این بند مجدداً می‌خواهیم به آنها سهام واگذار کنیم.
چهارم؛ در این بند عبارت «امتیازات مورد توافق» ابهام دارد و زمینه ساز عدم شفافیت و فساد است.
پنجم: در ذیل این بند، تصریح شده که این بند شامل «نهادهای عمومی غیر دولتی» نمی‌شود. در حالی که سازمان تامین اجتماعی خود یک نهاد عمومی غیر دولتی است. لذا این بند، از جهت عدم رعایت اصطلاحات حقوقی نیز مشکل دارد.
بنابراین، از حیث ایجاد عدم انسجام در قوانین، دارا بودن ابهام و عدم استحکام در ادبیات و اصطلاحات حقوقی، با بند (9) سیاست‌های کلی نظام قانون گذاری مغایر است.

همچنین، از حیث عدم رعایت الزامات و واگذاری، مغایر سیاست‌های کلی اصل (44) قانون اساسی است.
از طرفی، از حیث ایجاد زمینه فساد، مغایر بند (19) سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی است.

مصوبه کمیسیون

عبارت "سهام قابل واگذاری دولت در قالب قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (44) قانون اساسی و اصلاحات بعدی آن، و واگذاری املاک مازاد بر نیاز دستگاههای اجرائی،" و عبارت "و امتیازات مورد توافق،" و عبارت "این بند شامل دستگاههای زیر نظر مقام معظم رهبری و قوای مقننه و قضائیه و مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی نمی‌شود." حذف و قبل از عبارت "اوراق بهادار قانونی" علامت ویرگول به حرف "و" تغییر گردید.

2- سازمان تامین اجتماعی مکلف است با تایید وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در طول سه سال اول برنامه نسبت به متناسب‌سازی مستمری بازنشستگان غیرحداقل بگیر اقدام نماید به نحوی که در پایان سال سوم برنامه، نسبت مستمری بازنشسته به حداقل دستمزد همان سال، با نود درصد (90%) نسبت اولین مستمری بازنشستگی به حداقل دستمزد سال برقراری مستمری، متناسب گردد.

این متناسب‌سازی در سال اول به میزان چهل درصد (40%) و در سالهای دوم و سوم هرکدام سی درصد (30%) مابه‌التفاوت تا نود درصد (90%) یادشده خواهد بود.

ایراد شورای نگهبان

ایراد هیأت عالی نظارت

با توجه به تحمیل بار مالی جدید به سازمان تامین اجتماعی، مغایر بندهای (3) و (4) سیاست‌های کلی تامین اجتماعی است.

واقعییت این است که؛ متناسب سازی مستمری بگیران تامین اجتماعی، نیاز به حکم جدید ندارد و در ماده (96) قانون تامین اجتماعی وجود دارد. آنچه لازم است؛ تامین منابع مالی برای اجرای قانون می‌باشود از این حیث مغایر جزء (8) سیاست‌های کلی نظام قانون گذاری است.

بهتر است به جای تعیین فرمول متناسب سازی برای مستمری بگیران تامین اجتماعی، منبع مالی جدید تامین شده و یا بدهی دولت به تامین اجتماعی تادیه شود و تشکل‌های رسمی و قانونی بازنشستگان را در تصمیم سازی مشارکت دهند.

مصوبه کمیسیون

بعد از عبارت "سازمان تامین اجتماعی" عبارت "در راستای اجرای ماده (96) قانون تامین اجتماعی مصوب 1354 با اصلاحات و الحاقات بعدی" اضافه و بعد از عبارت "مکلف است با" عبارت "تایید وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی" حذف گردید.